



«جان کریستوفر دپ» متولد ۱۹۶۳، بازیگر آمریکایی و متخصص ایفای نقش آدم‌های عجیب و غریب و استثنایی چون «ادوارد دست‌قچی»، «دون خوان دوماز کو»، «ناخدا جک اسپارو» و «سویینی تاد» است. او تا کنون به خاطر بازی در چنین نقش‌هایی ۳ بار نامزد دریافت جایزه‌ی اسکار و ۷ بار نامزد دریافت جایزه‌ی گلدن گلوب بوده که امسال آن را برای سویینی تاد از آن خود کرد.

دپ از سال ۱۹۸۴ با نقش کوچکی در فیلم ترسناک «کابوس در خیابان الم» شروع به بازی کرد، ولی تا ۶ سال بعد و آشنایی‌اش با «جان واترز» و «تیم برتون» نقش قابل‌اعتنایی در فیلم‌ها نداشت. آشنایی دپ با واترز سبب شد تا نقش اصلی فیلم «بچه‌ننه» را بازی کند و استعداد بازیگری خود را به نمایش بگذارد، اما اتفاق اصلی زندگی‌اش حضور در فیلم «ادوارد دست‌قچی» در همین سال بود؛ فیلمی که یک‌شبه او را به شهرتی جهانی رساند و زمینه‌ساز همکاری ۱۸ ساله‌ی شد که تا به امروز برای هر دو طرف قرین موفقیت بوده، هر چند نمرده‌ی این همکاری درازمدت فقط ۵ فیلم «اد وود»، «اسلیپی هالو»، «چارلی و کارخانه‌ی شکلات‌سازی»، «عروس مرده» و «سویینی تاد» است. در این فاصله دپ شانس حضور در آثار فیلمسازانی مشهور چون «جیم جارموش»، امیر کاستوریکا، لاسه هالستروم، جان بدهام، مایک نیویل، تری گیلیام، رومن پولانسکی، سالی باتر، جولین شنبایل و مارک فاستر» را یافته و استعداد خود را در نقش‌هایی به‌شدت متفاوت به منصفی ظهور رسانده است. این گفت‌وگو به بهانه‌ی اگران موفقیت‌آمیز «سویینی تاد: آرایشگر شیطان صفت خیابان فلیت» با جانی دپ انجام شده است.

گفت‌وگو با جانی دپ، به بهانه‌ی حضورش در سویینی تاد: آرایشگر شیطان صفت خیابان فلیت تمام داستان در نگاه کردن خلاصه می‌شود!

لازم بود، بی‌وقفه در طول مسیر به گفت‌وگوها و همین‌طور آوازهایم گوش می‌دادم تا موقع فیلمبرداری کم نیاورم!
آیا برای آواز خوانی استادی هم داشتید؟

همه به من می‌گفتند که باید یک معلم آواز بگیرم اما هر چه قدر موسیقی را بیشتر می‌شناختم کم‌تر به انجام این کار حاضر می‌شدم، نمی‌توانستم خودم را همراه با یک مربی آواز تصور کنم. با این احوال برای موفق شدن باید خودم را روی سیر تکوینی نقش متمرکز کنم، احتیاج دارم ببینم به کجا می‌روم نه این‌که دیگران به من یاد بدهند که باید به کجا بروم!

خوانندگان می‌گویند خواندن ملودی‌های شخصی مانند سوندهایم می‌تواند بسیار دشوار باشد، آیا همین‌طور بوده است؟
خوانندگان شگردهای بسیار پیچیده‌ی دارند و حقه‌های زیادی هم در کارهای آن‌ها هست، اما برتون در ابتدای کار به من گفت که مهم‌ترین نکته بازی است و نه آن چه که می‌خوانیم!
استدلال برتون چه بود؟

برتون اعتقاد داشت مردم باید تحت تأثیر بازی قرار بگیرند نه درست آواز خواندن؛ البته من حرفش را باور نکردم، چون فکر کردم این را فقط برای راحتی خیال من گفت!

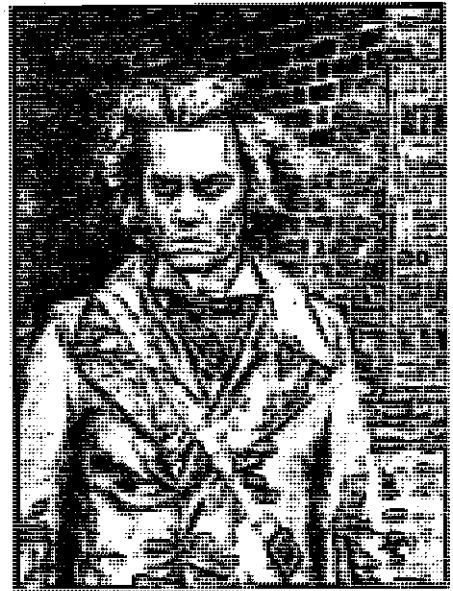
... حین فیلمبرداری مشکلی از بابت آواز خوانی نداشتید؟
خیر، اصلاً جالب این که برتون از من پرسید آیا می‌توانم آواز بخوانم یا نه! راستش من از این کار هیچ سررشته‌ی نداشتم و هیچ چیز برایم مثل آواز خواندن غریب نیست؛ گوش خوبی دارم و می‌دانستم که می‌توانم در ریتم بعضی از قطعات باقی بمانم ولی از به یاد داشتن نت و به‌کارگیری آن چیزی نمی‌دانستم، اما تمام تلاشم را به کار گرفتم تا به بهترین شکل آواز بخوانم!

شما از معدود بازیگرانی هستید که توانسته‌اید در میان دوستداران جدی سینما و آن‌ها که جز برای تفریح فیلم نمی‌بینند به یک اندازه شهرت و محبوبیت کسب کنید؛ آیا با این موضوع موافق‌اید؟

امیدوارم همین‌طور که شما گفتید باشد!
دلیل اصلی استمرار چنین موفقیتی را چه می‌دانید؟
اغراق نخواهد بود اگر بگویم دلیل اصلی این موفقیت دوستی و همکاری مداوم من با فیلمسازی به نام «تیم برتون» است، کسی که مرا از ۱۸ سال قبل تا به امروز برای بازی در نقش اصلی افسانه‌های اسرارآمیز خود برگزیده است.

افراد کمی «استفان سوندهایم» و «سویینی تاد» را می‌شناسند؛ شما این مخاطره را قبول می‌کنید که همه را غافلگیر سازید؟
شاید یکی از دلایل این امر همین موضوع باشد. به هر حال من طرفدارانی از طیف‌های مختلف دارم و بایستی همه را راضی کنم ... چندی پیش پیامی از طریق اینترنت دریافت کردم که شخصی بعد از دیدن آنونس فیلم نوشته بود «تفهمیدم چرا آن وسط جانی دپ می‌زند زیر آواز»، می‌بینید مخاطبان تا چه حد ریزبین شده‌اند؟!
این سویینی عجب شخصیتی است! با این شخصیت افراد زیادی را از ترس به خود خواهید لرزاند.

در واقع چرخشی بنیادی است، چالشی است برای رسیدن به این‌که افراد به هنگامی که او دست به کشتار قربانی‌هایش می‌زند خودشان را بشناسند؛ آسان نبود، امیدوارم موفق شده باشم حق مطلب را ادا کنم.
تمرینات شما برای بازی در این فیلم از چه زمانی شروع شد؟
هم‌زمان با اتمام بازی در «دزدان کاراییب ۳» شروع کردم ... حدود ۲ ساعت زمان برای رفتن سر صحنه و همین‌زمان هم برای برگشت



این واقعا منقلب کننده است! اصلاً چرا برتون سویینی تاد را برای بازسازی انتخاب کرد؟ شخصیت فیلم به طرزى باورنکردنى آشفته کننده است؛ خردشده، متحیرکننده، اما دلچسب. نقش او و فیلم بسیار جلوتر از زمان خود هستند و همین مهم ترین عامل محرک هر کارگردانی برای ساختن آن است.

ایده‌ی دو رنگ بودن موهای سویینی تاد از تیم برتون بود؛ بله؛ فکر اولیه این بود که رنج غیرقابل تحملی بر او وارد شده، او طرد شده و به زندان افتاده است. رگه‌ی موی سفیدی که در میان موهای سیاه او ریشه دوانده نشان دهنده‌ی گذشت زمان و ایجاد یک خشم تدریجی است.

این ایده کمی تکراری نبود؟ چرا! این اولین باری نبود که کسی این فکر را عملی کرده و آخرین بار هم نخواهد بود، ولی از آن گریم‌هایی است که واقعا مؤثر است. چرا خون‌هایی که از گردن مقتولان می‌ریزد کمی نارنجی است؟

برای خون مصنوعی از رنگی که به نارنجی می‌زد استفاده کردیم تا اغراق داستان بیش تر شود. «ساشا بارون کوهن» هم در این فیلم حضور دارد؛ او چه طور بازیگری است؟

آن طوری که تصور می‌کردم نبود. او واقعا مهربان است، بسیار درست و حتی با ظرافت؛ معادل امروزی پیتسر سلرز. بعد از ۵ فیلم مشترک با تیم برتون آیا حین کار در این فیلم موارد عدم توافق هم پیش می‌آمد؟

ما هرگز سر سویینی با هم جر و بحثی نداشتیم. مثل همیشه هماهنگ بودیم. تیم برادر من است، جزئی از خانواده‌ی من است؛ این چیزی است که در شروع کار بیش تر از هر چیزی نگران کننده است، ابتدا باید اطمینان پیدا کنیم که او را مایوس نکرده‌ام بعد از کار خودم اطمینان بیابیم ■

ضبط قسمت‌های آوازی را با کمک «بروس ویتکین» که این روزها تبدیل به یک متخصص حرفه‌ی صداپردازی شده انجام دادید؟

بله، ما با هم به استودیو می‌رفتیم. من تنها جلوی اتاق فرمان بودم و بروس پشت دکمه‌ها. این آدم مثل یک برادر است؛ ما با هم همکاری‌های زیادی داشته‌ایم، بارها با هم سفر کرده‌ایم و در دوران نوجوانی با هم زندگی می‌کردیم، مادرش برای من مادر دوم بود. خیلی به من کمک کرد، دوستی‌اش ایمنی‌بخش بود. حقیقتاً برای رسیدن به نقش سویینی حضور او لازم بود.

نظر همسرتان که خودش هم در زمینه‌ی موسیقی فعالیت دارد نسبت به آواز خوانی شما چه بود؟

بعد از دیدن ماکت اولیه‌ی آهنگ‌ها در لس آنجلس، آوازهای ضبط شده را به همسرم «ونسا» دادم؛ این احساس را داشتم که مرا مسخره خواهد کرد، ولی او بعد از شنیدن آهنگ‌ها به من گفت: «واقعا خودتی»!

برای آماده شدن جهت اجرای نقش سویینی تاد از کجا شروع کردید؟

با کار کردن بر روی نگاه شروع کردم، چون همه‌ی داستان سویینی در همین نگاه خلاصه می‌شود؛ حس می‌کردم نگاه او باید بسیار نافذ و خیره به دور دست باشد تا متوجه شویم چیزهای بسیاری را تجربه کرده است. حلقه‌های بنفش و قهوه‌یی دور چشم نمایانگر تنهایی هراسناک است، انگار که سویینی هرگز نمی‌خوابد.

آیا از بازیگرانی که قبل از شما نقش سویینی تاد را ایفا کرده‌اند هم الهام گرفتید؟

من و تیم برتون خیلی زود به خودمان گفتیم که نباید مثل «لن کاربو» یا «میشل سیروریس» بود، ما می‌خواستیم یک سویینی متفاوت بسازیم. اگر از کسی الهام گرفته باشیم بیش تر «پیتز لوره» در فیلم «دست‌های اورلاک» است؛ فیلم «پنالتی» او را دیده‌اید؟ او نقش کسی را بازی می‌کند که پاهایش از زانو به پایین قطع شده و